

ارزیابی شالوده عدم پراکنش بهینه امکانات آموزشی و فرهنگی در تشدید تفاوت های ناحیه‌ای (مطالعه موردی: آذربایجان غربی)

بشیر بیک بابایی^۱

استادیار واحد ملکان، دانشگاه آزاد اسلامی، ملکان، ایران

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

چکیده

عدم پراکنش مطلوب امکانات از جمله امکانات آموزشی و فرهنگی از عوامل اصلی تشدید تفاوت های ناحیه‌ای بوده و کاستن از عدم تعادل ها، بهره برداری اصولی و منطقی از توان های محیطی، توزیع بهینه امکانات و جمعیت، مطالعه شهر و روستا با نگرش سیستمی و شناخت میزان نابرابری های مابین سکونتگاه‌ها از جمله وظایف مهم برنامه ریزی ناحیه ای است. لذا در مقاله حاضر بر آن است با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی و خوشه ای و استفاده از ۲۱ شاخص در زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی شهرستان های استان آذربایجان غربی پردازد. نوع تحقیق در این پژوهش کاربردی - توسعه ای و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی است. نتیجه بکارگیری تحلیل عاملی تقسیم بندی شهرستان ها در ۴ سطح برخوردار - نسبتا برخوردار - محروم و بسیار محروم است. یافته‌های پژوهش نشان می دهد که شهرستان خوی رتبه ۱ با امتیاز ۳/۴۷ و شهرستان چالدران رتبه ۱۷ با امتیاز ۳/۲۵ - در بین ۱۷ شهرستان استان آذربایجان غربی را به خود کسب کرده، که ۲۳/۵۲ درصد شهرستان ها در سطح برخوردار، ۲۶/۳ درصد برخوردار، ۳۵/۲۹ درصد نسبتاً برخوردار، ۲۳/۵۲ درصد محروم و ۱۷/۶۴ درصد در سطح بسیار محروم قرار گرفتند و در نهایت با استفاده از تحلیل خوشه ای و ترسیم نمودار دندروگرام، شهرستان ها به گروه‌های همگن طبقه بندی شده‌اند. در مجموع یافته‌ها، نشان از تشدید نابرابری شهرستان ها در برخورداری از شاخص های اجتماعی - فرهنگی به لحاظ عدم پراکنش مطلوب آنهاست. بنابراین توجه به اصول برنامه‌ریزی های ناحیه ای در راستای توسعه محدوده مورد مطالعه امری ضروری است.

واژگان کلیدی: تفاوت های ناحیه ای، تحلیل عاملی، استان آذربایجان غربی

مقدمه

امروزه توسعه همپای زندگی بهتر تلقی می‌شود و جوامع نسبت به گذشته از آن بیشتر منتفع می‌گردند. «گاه توسعه بیشتر با روشها و شیوه‌های اقتصادی پیش برده می‌شود که هم در زمینه تعیین و سنجش ارزش واقعی منابع محیطی و انسانی و هم به خاطر محدودیتهای که در صورت افزایش بیش از حد، انسانیت و سایر انواع حیات را تهدید می‌کند، شکست خورده و ناکام مانده‌اند».

توسعه همان رشد اقتصادی نیست؛ زیرا توسعه جریانی چند بعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختمانهای نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجه نظرهای عمومی مردم است. توسعه در بسیاری موارد حتی عادات و رسوم و عقیده مردم را نیز در بر می‌گیرد. توسعه مفهومی فراتر از رشد اقتصادی دارد به طوری که هم اکنون بسیاری از کشورهایی که رشد اقتصادی آنها متکی به درآمدهای نفتی است از جمله کشورهای عربی به رغم بالابودن درآمد و ثروت در زمره کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شوند بدیهی است که نمی‌توان بدون اعتنا به این مقوله مهم، بدنبال ایجاد تغییراتی در ابعاد مختلف جامعه بود. چرا که هرگونه تغییر و تحولی در تمامی ابعاد جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منوط به نوعی پذیرش فرهنگی، در جامعه می‌باشد. بنابراین بدون ایجاد بستر مناسب فرهنگی نمی‌توان بدنبال تحقق توسعه در ابعاد دیگر جامعه بود. از این روی طی سالهای اخیر مفهوم توسعه فرهنگی مورد توجه بسیاری از مجامع جهانی از جمله یونسکو قرار گرفته است.

بیان مسأله

امروزه فاصله بهره‌گیری از امکانات در شهرها و روستاها و حتی از شهری به شهر دیگر به شکل قابل توجهی مشهود است لذا اختلاف سطح میان روستاها، روستاها و شهرها، شهرها و شهرها، مناطق، درون مناطق، بین مناطق و کشورها جهت حصول به یک حداقل قابل قبول ملی و بین المللی از نظر اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، ضرورت سرمایه‌گذاری ملی و منطقه ای و نگهداشت جمعیت در پهنه سرزمین و استفاده از تکنولوژی مناسب و نیل به توسعه پایداری، خود به نحوی ضرورت برنامه ریزی منطقه ای را بیش از پیش اجتناب ناپذیر نموده است یکی از اهداف برنامه ریزی منطقه ای کاهش نابرابری و رفع دوگانگی های اقتصادی و اجتماعی به عنوان یکی از پیش شرط های اصلی جهت نیل به توسعه می باشد. عدم توازن در بین مناطق در جریان توسعه، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه ای می شود که خود مانعی در مسیر توسعه است. براین اساس، مطالعه نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی، آموزش، رفاهی منطقه ای و استانی، یکی از اقدامات ضروری و پایه ای برای برنامه ریزی و اصلاحات در جهت تامین رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی و اصلاح آرایش فضایی اقتصاد ملی و منطقه ای می باشد. این امر می تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری های منطقه ای تحت تاثیر قرار دهد (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۱۵۲). طی سالیان گذشته محققان با بهره گیری از اطلاعات و روش های کمی که عمدتاً ماهیتی اقتصادی داشت موفق به تبیین میزان رشد و توسعه در سطوح بین المللی، ملی، منطقه ای و محلی نگردیدند (همان). اندازه‌گیری سطح توسعه از طرف سازمان های بین المللی و اقتصاد دانان با شاخص های متفاوتی صورت می گیرد. یکی از

شاخص‌های رایج، درآمد سرانه است. بر این اساس مناطقی که به طور نسبی از درآمد سرانه بالایی برخوردارند، به عنوان توسعه یافته تلقی می‌شوند (پومفرت، ۱۳۷۶: ۲۵). اگر چه شاخص مذکور، از این جهت که عینی و فارغ از ارزشها و اظهار نظرهای شخصی و سلیقه ای است، قابل دفاع است. اما بدلیل آنکه ارزشهای غیر پولی و مواردی را که قابل تبدیل به مقادیر پولی نیستند را در بر نمی‌گیرد نمی‌تواند بعنوان تنها معیار توسعه یافتگی مناطق به شمار آید، به همین دلیل از دهه ۱۹۶۰ به بعد شاخصهای ترکیبی و سایر شاخص‌های غیر اقتصادی مانند شاخص‌های توسعه فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی - درمانی ارائه گردید.

پژوهش از نوع تحلیلی و کمی بوده و رویکرد حاکم بر آن توسعه ناحیه ای است، جامعه آماری شامل شهرستان های استان آذربایجان غربی می باشد و با استفاده از اطلاعات بدست آمده از مراجع مربوطه در جهت استانداردسازی شاخص‌ها و تجزیه و تحلیل آنها، از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. و سپس شهرستان ها با استفاده از امتیاز ترکیبی رتبه بندی و سپس از طریق تحلیل خوشه ای به گروه‌های همگن طبقه بندی و سطح بندی می‌شوند و در آخر برای بهتر شدن وضعیت فرهنگی و آموزشی و اجتماعی شهرستان های مختلف استان راهکارهایی ارائه می‌شود.

معرفی مدل های به کار رفته

- تحلیل عاملی: تحلیل عاملی ۱ روش کاهش متغیرها و داده‌هایی است که سعی بر تقسیم یک مجموعه ای از متغیرها به گروه‌هایی از متغیرهایی که دارای همبستگی حداکثر هستند می‌باشد. و نهایتاً تعداد زیادی از متغیرها را به تعداد کمی از متغیرهایی که عامل نامیده می‌شود دسته بندی و تبیین می‌کند (Lee and Lee, 2011:2120). تحلیل عاملی کاربردهای مختلفی می‌تواند داشته باشد، اگر در تحلیل عاملی هدف خلاصه کردن تعداد شاخص‌ها به عوامل معنی دار باشد باید از تحلیل عاملی نوع R استفاده گردد؛ در صورتی که هدف ترکیب و تلخیص تعدادی از مکانها و نواحی جغرافیایی در گروه‌های همگن در درون یک سرزمین باشد از تحلیل عاملی نوع Q باید استفاده شود. در مطالعات جغرافیایی تحلیل عاملی نوع R بیشتر برای سطح بندی شهرستان ها، شهرها و روستاها به کار برده می‌شود (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۲۸). علاوه بر این از تحلیل عاملی برای به کارگیری داده‌ها و کاهش احتمالی خطا در شرایطی که نیاز به قضاوت نظری وجود دارد، به خوبی می‌توان استفاده کرد. همچنین تحلیل عاملی زمینه را برای استفاده از تحلیل خوشه ای فراهم می‌کند و مشخص می‌کند که در گروه‌بندی شهرستان ها در کدام سطح توسعه قرار دارند.

تحلیل عاملی شامل مراحل زیر است: تشکیل ماتریس داده‌ها، محاسبه ماتریس همبستگی، استخراج عامل ها، دوران عامل ها، نامگذاری عامل ها، رتبه بندی شهرستان ها (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

- تحلیل خوشه ای ۲

این روش یکی از روشهای پرکاربرد در مطالعات جغرافیای ناحیه ای است. در واقع روشی برای سطح بندی مناطق، شهرستان ها، شهرها، روستاها و... است به طوری که در این سطح بندی، مکانهای واقع در یک سطح شباهت زیادی با همدیگر داشته، اما تفاوت قابل توجهی با مکانهای سطوح دیگر دارد. سطح بندی مکانهای همگن در این روش به

¹ - Factor Analysis

² - Cluster Analysis

شیوه‌های مختلفی صورت می‌گیرد. تعیین ضریب همبستگی و اندازه‌گیری فاصله، به ویژه فاصله اقلیدسی از مهمترین روشهای تغییر مکانهای همگن میباشد. لذا روشهای مختلفی برای ترکیب اجزاء در داخل خوشه‌ها وجود دارد که یکی از آنها تجزیه و تحلیل خوشه‌ای سلسله مراتبی است. تجزیه تحلیل سلسله مراتبی با استفاده از روش تراکمی یا تفکیکی انجام می‌پذیرد (بیات، ۱۳۸۸: ۱۲۳). در روش تراکمی هر مورد یا موضوع با خوشه‌ای خاص خود آغاز می‌شود و سپس دو مورد با موضوع با هم ترکیب شده و خوشه تراکمی جدید می‌سازند. بنابراین در هر مرحله تعداد خوشه‌ها به صورت یک به یک، کاهش می‌یابد. در بعضی موارد، مورد یا موضوع سومی با خوشه‌ای موردی ادغام شده و خوشه‌ای جدید بوجود می‌آورند و بعضی موارد نیز ممکن است دو گروه یا دو موضوعی با هم ترکیب شوند و خوشه‌ای جدید بسازند. بدین ترتیب بتدریج تمام موارد باهمدیگر ادغام می‌شوند و نهایتاً یک خوشه بزرگی را پدید می‌آورند. و اگر فرایند خوشه‌ای در جهت عکس روش سلسله مراتبی انجام گیرد، در واقع از روش تفکیک پذیری استفاده شده است.

پنج روش عمده برای تشکیل خوشه‌ای تراکمی عبارتند از: پیوند تکی، پیوند کامل، پیوند متوسط، روش وارد، روش مرکز ثقل (کلانتری، ۱۳۸۹: ۳۳۸)

شاخص‌های مورد مطالعه

برای سنجش میزان برخورداری هر شهرستان از امکانات و خدمات فرهنگی، از شاخص‌هایی استفاده شده که این شاخص‌ها یا مستقیماً به عنوان شاخص فرهنگی - اجتماعی شناخته شده‌اند و یا شاخص‌هایی هستند که به نحوی سطح توسعه فرهنگی شهرستان را بیان می‌دارند. مجموعاً از ۲۱ شاخص انتخاب گردیده که به شرح زیر می‌باشند. X_1 - درصد شهرنشینی، X_2 - تعداد مسجد به ازای ده هزار نفر جمعیت، X_3 - نسبت دانش آموز پسر به دوره متوسطه، X_4 - نسبت دانش آموز دختر به دوره متوسطه، X_5 - نسبت دانش آموز پسر به کل دوره‌های تحصیلی، X_6 - نسبت دانش آموز دختر به کل دوره‌های تحصیلی، X_7 - نسبت کارکنان آموزشی به کل کارکنان دفتری و اداری، X_8 - نسبت کارکنان غیر آموزشی به کل کارکنان دفتری و اداری، X_9 - تعداد سینما به ازای هر ۵۰ هزار نفر جمعیت، X_{10} - تعداد سالن نمایش به ازای هر ۵۰ هزار نفر جمعیت، X_{11} - تعداد نمایشگاه به ازای هر ۵۰ هزار نفر جمعیت، X_{12} - تعداد چاپخانه به ازای هر ۵۰ هزار نفر جمعیت، X_{13} - تعداد کتابخانه به ازای هر ۵۰ هزار نفر جمعیت، X_{14} - تعداد کتب موجود در کتابخانه به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت، X_{15} - نسبت آموزشگاه به دانش آموز دوره ابتدایی، X_{16} - نسبت کلاس به دانش آموز ابتدایی، X_{17} - نسبت آموزشگاه به دانش آموز دوره راهنمایی، X_{18} - تعداد کلاس به دانش آموز دوره راهنمایی، X_{19} - نسبت آموزشگاه به دانش آموز دوره دبیرستان، X_{20} - نسبت کلاس به دانش آموز دوره دبیرستان، X_{21} - نسبت آموزشگاه به دانش آموز دوره پیش دانشگاهی

۴- کاربرد تحلیل عاملی در ارزیابی فضایی اجتماعی - فرهنگی شهرستان‌های آذربایجان غربی

بعد از تبدیل متغیرهای انتخابی به شاخص‌های آماری، نهایتاً ۲۱ شاخص آماری در بخش‌های مختلف برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شد و اقدام به اجرای تکنیک تحلیل عاملی از طریق نرم‌افزار SPSS گردید. مراحل تحلیل عاملی برای شاخص اجتماعی - فرهنگی ۱۷ شهرستان استان آذربایجان غربی به کار گرفته شد. از جمله روشهایی که محقق از طریق آنها قادر به تعیین و تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی می‌باشد آزمون

KMO₁ می باشد که مقدار آن همواره بین ۰ و ۱ در نوسان است. در صورتی که مقدار KMO کمتر از ۰/۵۰ باشد داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهند بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۹ باشد می توان با احتیاط به تحلیل عاملی پرداخت. اما اگر مقدار آن بزرگتر از ۰/۷۰ درصد باشد همبستگی های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهند بود (کلانتری، ۱۳۸۹:۲۸۶). نتیجه آزمون KMO نشان می دهد که کفایت مدل در حد متعادلی مورد تأیید است و بیانگر مناسب بودن الگوی تحلیل عاملی برای عملیات این تحقیق می باشد و همچنین آزمون بارتلت هم این مسأله را تأیید می کند.

- تشکیل ماتریس داده‌ها

ماتریس داده‌ها عبارت است از ماتریسی که ستون های آن شامل شاخص‌ها و سطرهای آن شامل مناطق خواهد بود. بنابراین در استان آذربایجان غربی شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی در ستون های ماتریس و ۱۷ شهرستان در سطرها ماتریس قرار داده می شود.

- محاسبه ماتریس همبستگی

برای انجام محاسبات در مراحل بعدی و ارتباط درونی بین شاخص‌ها از ماتریس همبستگی استفاده می شود. اگر همه شاخص‌ها در جهت مثبت مرتب شده باشند و کیفیت بیشتر نشانگر وضع بهتر باشد، همبستگی ها مثبت خواهد بود. یعنی افزایش مقادیر هر یک از شاخص‌ها با افزایش مقادیر شاخص‌های دیگر خواهد بود. همبستگی میان m شاخص را می توان به صورت $m \times m$ نوشت. با ۲۱ شاخص برای استان آذربایجان غربی ماتریس 21×21 خواهد بود مقادیر قطر آن همگی ۱ و اعداد زیر قطر آن تکرار اعداد بالای قطر است، زیرا همبستگی هر شاخص، با خود شاخص یک و همبستگی شاخص ۲ به ۱ همواره مساوی همبستگی شاخص ۱ با شاخص ۲ است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵:۲۳۰).

- استخراج عامل ها

در این قسمت همبستگی بین شاخصها (متغیرها) و عاملها بررسی و با استفاده از ماتریس همبستگی، عاملهای اصلی استخراج میشود. لذا ماتریس همبستگی محاسبه و نسبت به استخراج عوامل اقدام می گردد. برای ایجاد رابطه منطقی و مناسب بین شاخصها (متغیرها) و عوامل، شاخصهایی مورد استفاده قرار میگیرند که ضریب همبستگی آنها بالای ۰/۵ باشد (تقوایی و شفیعی، ۱۳۸۸:۶۸). بر این اساس در پژوهش حاضر ۲۱ شاخص به ۴ عامل کاهش یافته که ۷۵/۳۴۰ درصد واریانس را توضیح می دهد و نشان‌دهنده رضایت بخش بودن تحلیل عاملی و شاخص‌های مورد مطالعه‌اند. که نتایج آن در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول ۱- استخراج عامل نهایی تحلیل داده‌ها

فهرست عامل ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۷/۱۸۹	۳۴/۲۳۵	۳۴/۲۳۵
۲	۳/۶۰۱	۱۷/۱۴۸	۵۱/۳۸۳
۳	۲/۸۹۶	۱۳/۷۹۲	۶۵/۱۷۵
۴	۲/۱۳۵	۱۰/۱۶۶	۷۵/۳۴۰

منبع: یافته‌های پژوهش

- چرخش یا دوران ماتریس

اگر هر شاخص بر روی یک عامل حمل شود و یا مقادیر بارگذاری شده هر شاخص در عامل، بزرگ و مثبت و یا نزدیک به صفر باشد، در آن صورت کار تفسیر عوامل ساده خواهد بود. در صورتی که مقادیر بارگذاری شده هر شاخص شامل مقادیر متوسط روی چند عامل باشد، کار تفسیر عامل سخت خواهد بود برای رسیدن به حالت مطلوب، عوامل چنان دوران داده می شود تا ساختار ساده ای به دست آید. برای دوران عامل ها از روش های واریماکس، کواریماکس و اکومارکس می توان استفاده کرد (موسوی و حکمت نیا، ۱۳۸۴: ۶۱). در این پژوهش ساختار ساده ای به دست می آید که شاخص های زیادی حول یک عامل تجمع پیدا می کنند که با توجه به جدول ۱ عوامل استخراج شده ۷۵/۳۴۰ درصد تغییرات ناشی از متغیرهای قبلی را تبیین می کنند (تقوایی و شفیع، ۱۳۸۸: ۶۹). با تشکیل ماتریس داده‌ها، ضریب همبستگی ماتریس محاسبه و سپس با تحلیل عاملی در شاخص های اجتماعی فرهنگی به ۴ عامل نهایی کاهش یافته که جمعاً ۷۵/۳۴۰ درصد واریانس را توضیح داده و خلاصه مطلوبی را نشان می دهد که با چرخش عوامل به روش واریماکس، متغیرهای هر عامل مشخص شدند. که با توجه به جدول ۱ عامل اول نقش بیشتری در کل تغییرات (واریانس) دارد.

جدول شماره ۲) عاملهای دوران یافته

فهرست عامل ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۵/۲۶۷	۲۵/۰۷۹	۲۵/۰۷۹
۲	۴/۷۶۵	۲۲/۶۹۰	۴۷/۷۶۹
۳	۳/۱۰۳	۱۴/۷۷۸	۶۲/۵۴۸
۴	۲/۶۸۶	۱۲/۷۹۳	۷۵/۳۴۰

منبع: یافته‌های پژوهش

- نامگذاری عامل ها

با توجه به همبستگی هر یک از شاخص ها عوامل به شرح زیر نامگذاری شده‌اند. با توجه به میزان همبستگی هر یک از شاخص ها با یکدیگر؛ آن دسته از شاخص هایی که بیشترین همبستگی را با هم داشته باشند در یک عامل بارگذاری می شوند.

- عامل اول: مقدار ویژه این عامل ۵/۲۶۷ و ۲۵/۰۷۹ درصد واریانس را توجیه می کند. در این عامل ۶ شاخص بارگذاری شده که بیشترین همبستگی بین آنها وجود دارد. در این عامل ۶ شاخص بارگذاری شده که یکی نهادی و ۵ شاخص آموزشی است بنابراین می توان این عامل را (نهادی و آموزشی) نامید.

جدول شماره ۳) شاخص های بارگذاری شده در عامل دوم

ردیف	نام شاخص	شماره ردیف در محاسبات	میزان همبستگی
۱	تعداد مسجد به ازای ده هزار نفر جمعیت	X2	۰/۷۰۳
۲	نسبت آموزشگاه به دانش آموز دوره راهنمایی	X15	۰/۹۰۱
۳	نسبت کلاس به دانش آموز ابتدایی	X16	۰/۷۲۶
۴	نسبت آموزشگاه به دانش آموز دوره راهنمایی	X17	۰/۹۰۱
۵	تعداد کلاس به دانش آموز دوره راهنمایی	X18	۰/۵۶۴
۶	نسبت آموزشگاه به دانش آموز دوره دبیرستان	X19	۰/۸۰۴

منبع: یافته‌های پژوهش

- عامل دوم: در این عامل ۵ شاخص بارگذاری شده که دارای همبستگی می باشند. مقدار ویژه این عامل ۴/۷۶۵ می باشد که ۲۲/۶۹۰ درصد واریانس را توضیح می دهد. در این عامل شاخص ۳ شاخص نهادی و ۲ شاخص باسوادی است که می توان آن را عامل باسواد و نهادی نامید.

- عامل سوم: در این عامل ۳ شاخص بارگذاری شده که بیشترین همبستگی را با همدیگر می باشند. مقدار ویژه این عامل ۳/۱۰۳ و ۱۴/۷۷۸ درصد واریانس را محاسبه و توجیه می کند. که دو شاخص آموزشگاهی و یک شاخص فرهنگی است که می توان آن را عامل فرهنگی و آموزشگاهی نام نهاد.

جدول شماره ۵) شاخص‌های بارگذاری شده در عامل سوم

ردیف	نام شاخص	شماره ردیف در محاسبات	میزان همبستگی
۲	تعداد کلاس به دانش آموز دوره راهنمایی	X18	۰/۵۴۰
۳	نسبت کلاس به دانش آموز دوره دبیرستان	X20	۰/۸۰۳
۴	تعداد کتب موجود در کتابخانه به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت	X14	۰/۶۷۹

منبع: یافته‌های پژوهش

- عامل چهارم: مقدار ویژه این عامل ۲/۶۸۶ و ۱۲/۷۹۳ درصد واریانس را توجیه می کند. در این عامل هم ۲ شاخص بارگذاری شده که دارای رابطه معناداری با همدیگر می باشند. که می توان آن را عامل نهادی و پرسنلی نام نهاد.

جدول شماره ۵) شاخص‌های بارگذاری شده در عامل چهارم

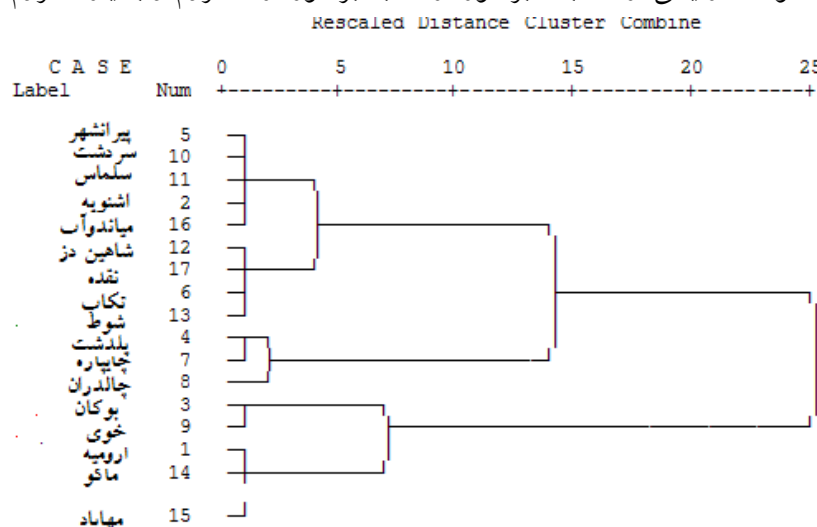
ردیف	نام شاخص	شماره ردیف در محاسبات	میزان همبستگی
۱	تعداد نمایشگاه به ازای هر ۵۰ هزار نفر جمعیت	X11	۰/۶۶۳
۲	نسبت کارکنان غیر آموزشی به کل کارکنان دفتری و اداری	X8	۰/۹۳۳

منبع: یافته‌های پژوهش

- گروهبندی شهرستان های استان آذربایجان غربی با استفاده از تحلیل خوشه ای پس از انجام مراحل تحلیل عاملی بر اساس امتیازات استخراجی و شاخص ترکیبی، با استفاده از تکنیک تحلیل خوشه ای نسبت به تعیین گروه‌های همگن شهرستان های استان آذربایجان غربی اقدام گردید. با این روش شهرستان هایی که بیشترین همانندی را از نظر امتیازات عاملی دارند در یک خوشه دسته بندی می نمایند. به این صورت که مقادیر امتیازهای هر عامل بیانگر درجه اهمیت هر یک از مناطق می باشد. نمودار شماره ۱ شهرستان های استان را در ۳ خوشه همگن نمایش می دهد. در تحلیل خوشه ای انجام گرفته بر اساس روش پیوند متوسط، شهرستان های استان در ۳ سطح قرار می گیرند. این سطح بندی نمایانگر آن است که مکان های واقع در یک سطح شباهت زیادی با همدیگر داشته، اما تفاوت قابل ملاحظه ای با مکان های سطوح دیگر دارد.

بر اساس نمودار شماره ۱ شهرستان های ارومیه، بوکان، خوی، ماکو و مهاباد در گروه اول، شهرستان های اشنویه، پیرانشهر، تکاب، سردشت، سلماس، شاهین دژ، شوط، میاندوآب و نقده در گروه دوم دوم، شهرستان های پلدشت، چایپاره و چالدران در گروه سوم قرار گرفتند. بعد از اتمام مرحله استخراج عامل ها، با استفاده از جمع امتیازات عاملی هر یک از شهرستان ها امتیاز ترکیبی بدست آمد و هر یک از شهرستان ها بر اساس امتیازاتی که از توسعه یافتگی کسب نمودند به دسته‌های مشخصی تقسیم بندی شدند و با توجه به میانگین و انحراف معیار امتیاز

ترکیبی؛ چهار طبقه برای دسته بندی شهرستان ها تعریف شد و هر کدام از شهرستان ها بر اساس امتیازی که از تحلیل عاملی کسب نمودند در یکی از ۴ طبقه؛ برخوردار، نسبتاً برخوردار، محروم و بسیار محروم قرار گرفتند.



نمودار شماره ۱) گروه‌بندی شهرستان های استان آذربایجان غربی با استفاده از تحلیل خوشه ای

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۷- سطح بندی شهرستان های استان آذربایجان غربی بر اساس امتیاز عاملی

ردیف	نام سطوح	شهرستان	تعداد	درصد	سطوح توسعه
۱	سطح اول	ارومیه، بوکان، خوی، مهاباد	۴	۲۳/۵۲	برخوردار
۲	سطح دوم	اشنویه، پیرانشهر، سردشت، سلماس، ماکو، میاندوآب	۶	۳۵/۲۹	نسبتاً برخوردار
۳	سطح سوم	نقده، شوط، شاهین دز، تکاب	۴	۲۳/۵۲	محروم
۴	سطح چهارم	چالدران، چاپپاره، پلدشت	۳	۱۷/۶۴	بسیار محروم
	مجموع		۱۷	۱۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

بنابراین این تفاوت در طبقه بندی شهرستان ها نشان از تفاوت و نابرابری در برخورداری از شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی را نشان می دهد به طوری که چهار شهرستان ارومیه، بوکان، خوی، مهاباد با ۲۳/۵۲ درصد در سطح برخوردار، اشنویه، پیرانشهر، سردشت، سلماس، ماکو، میاندوآب با ۳۵/۲۹ درصد در سطح نسبتاً برخوردار، نقده، شوط، شاهین دز، تکاب با ۲۳/۵۲ درصد در سطح محروم و چالدران، چاپپاره، پلدشت با ۱۷/۶۴ درصد در سطح بسیار محروم قرار گرفتند و فرضیه مبتنی بر اینکه میان شهرستان ها در برخورداری از شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی تفاوت وجود دارد تایید می شود. نقشه شماره (۱) سطح بندی شهرستان های استان آذربایجان غربی را نشان می دهد. همچنین نتایج نشان می دهد که هر چه میزان درصد شهرنشینی بالاتر می رود میزان آگاهی و دسترسی به امکانات فرهنگی هم نظیر سینماها، آموزشگاه‌ها، نمایشگاه‌ها، باسواد و غیره به همان اندازه بالاتر می روند که این امر از طریق آزمون پیرسون بر بررسی فرضیه مورد آزمون قرار گرفت. با توجه به اینکه سطح معناداری محاسبه شده (sig=.002) از سطح معناداری مورد نظر ($\alpha=0.05$) کمتر می باشد. لذا این فرضیه تایید می شود و به عبارتی هر چه سطح شهرنشینی افزایش یابد به همان اندازه نیز میزان دستیابی به امکانات باعث توسعه و مطلوب بودن شاخص‌ها می گردد و رابطه بین این دو متغیر مستقیم و در حدود ۰/۶۸۵ می باشد که بیانگر رابطه مثبت و قوی ما بین این دو متغیر می باشد در جدول (۸) نتایج مربوط به آزمون پیرسون آمده است.

جدول ۸- آزمون I² پیروسون برای بررسی رابطه شهرنشینی و توسعه یافتگی شهرستان ها در زمینه اجتماعی و فرهنگی

نوع آزمون	سطح معناداری	شدت همبستگی	آلفای موردنظر
پیروسون	sig=.002	0.685	$\alpha=0.05$

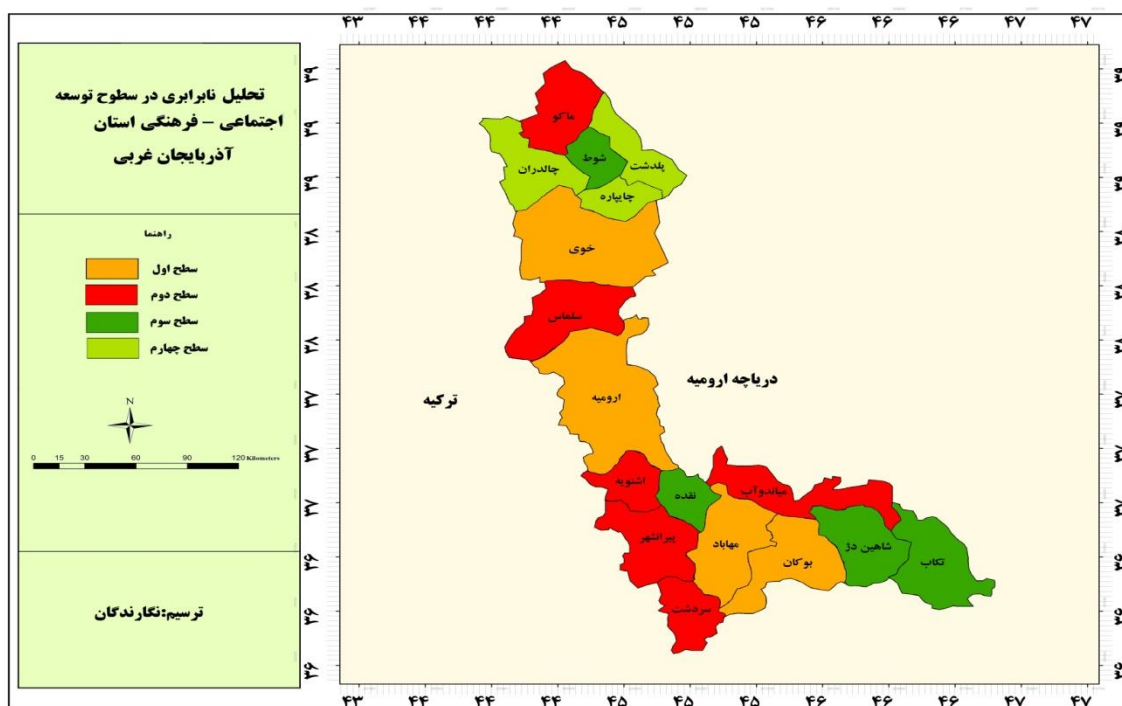
منبع: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه گیری

بعد از بررسی‌های لازم یافته‌های حاصل از مدل مدل تحلیل عاملی نشان‌دهنده آن است که در محدوده مورد مطالعه از نظر برخورداری از خدمات فرهنگی، آموزشی و اجتماعی همسان نبوده و اختلاف زیادی را با یکدیگر دارند. اختلاف فاحش در عرصه‌های فرهنگی در شهرستان ها، مربوط به تعداد مراکز فرهنگی مثل تئاتر، سینما، سالنهای نمایش، برگزاری نمایشگاههای کتاب و کمبود مراکز نشر می باشد، در حالیکه این گونه خدمات در مرکز استان و بندرت در بعضی شهرستان ها متمرکز شده‌اند و در همین حال بطور نسبی شاخص مربوط به نرخ باسوادی، افراد دارای تحصیلات عالی، تعداد کتاب موجود در کتابخانه‌ها و تعدد مراکز فرهنگی مذهبی مانند مساجد در سطح مناسبی در تمامی شهرستان ها موجود است. شهرستان های نزدیک به مرکز استان در توسعه فرهنگی مطلوبی قرار گرفته‌اند و هر چه از مرکز استان فاصله‌ها بیشتر می‌گردد سطح توسعه فرهنگی نزول می نماید. تقریباً ۴۱ درصد از شهرستان های استان از نظر سطح برخورداری از امکانات و مساجد در سطح مناسبی در تمامی شهرستان ها موجود است. شهرستان های اطراف مرکز استان در صدر جدول توسعه فرهنگی قرار گرفته‌اند و هر چه از مرکز استان و فاصله می‌گیریم سطح توسعه فرهنگی نزول می نماید. تقریباً ۴۱ درصد از شهرستان های استان از نظر سطح برخورداری از امکانات و خدمات فرهنگی محروم و بسیار محروم می باشند و قریب ۳۵/۲۹ درصد شهرستان های کشور از نظر برخورداری از امکانات فرهنگی در سطح تقریباً متعادلی می باشند و تنها ۲۳/۵۲ در حالت برخورداری از نظر وضعیت موجود این شاخص‌ها در استان قرار گرفته‌اند. مقایسه دو رقم ۴۱ درصد محروم و ۲۲/۵۲ درصد برخوردار؛ بیانگر توزیع نامتعادل امکانات و خدمات فرهنگی در سطح ناحیه ای است و این بدان معناست که از پتانسیل های موجود در شهرستان ها استفاده نگردیده و سرمایه‌گذاری لازم و پراکنش مطلوب کاربری‌های مورد نیاز به شکل مطلوب نیست. با توجه به محرومیت اکثریت شهرستان های استان از خدمات و امکانات فرهنگی و نگرش اقتصادی مدیران استانی و غفلت آنها از محرومیت توسعه فرهنگی شهرستانها، مسائل و مشکلاتی به شرح زیر در استان ایجاد خواهد شد_ ایجاد یک شکاف عمیق و دوگانگی فرهنگی در بین شهرستان های استان، ۲۳/۵۲ درصد شهرستان ها در رده بالاتر و بقیه در رده بالا به پایین که هیچ سختی باهم ندارد.

_ تشدید مهاجرت به مراکز استان و ادامه روند حاشیه نشینی و متعاقب آن افزایش مسائل و مشکلات شهرنشینی اعم از ساخت و سازهای غیر مجاز، آسیب های اجتماعی، رواج مشاغل کاذب و مواردی از این قبیل، در حالیکه رفع مشکلات حاشیه نشینان بغرنج برنامه ریزان و مدیران شهری است رواج بی عدالتی در توزیع امکانات و خدمات فرهنگی، در حالیکه عدالت اجتماعی از الزامات برنامه ریزی شهری و ناحیه ای است. گرایش به سمت تمرکز و قطب گرایی، در حالیکه تمرکزگرایی در دستور کار برنامه ریزان ناحیه ای است. _ همه موارد فوق توسعه اقتصادی را تحت الشعاع قرار خواهد داد، در حالیکه راه حل برون رفت از مشکلات اقتصادی برنامه ریزی در بنیان های فرهنگی است. با توجه به اینکه قریب به ۶۵ درصد شهرستان های استان از نظر برخورداری از امکانات و خدمات

فرهنگی در برخوردار به پایین قرار گرفته‌اند و از طرفی امکانات و خدمات فرهنگی در بعضی شهرستان‌ها تمرکز یافته‌اند، در جهت تمرکززدایی در این مسأله و در جهت حرکت در مسیر توسعه پایدار و در نظر داشتن مؤلفه عدالت اجتماعی، در برنامه ریزی های ناحیه ای باید شهرستان های محروم در اولویت اول توسعه قرار گیرند تا نه تنها روز به روز این تفاوت تشدید نگردد بلکه سعی در کاهش تفاوت های ناحیه ای شاخص های مختلف از جمله شاخصه های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی مد نظر قرار گیرد.



منابع

- احمدی، حسن، (۱۳۷۶)، سلسله مراتب شهری مبانی نظری، نظام شهری، انتشارات وزارت کشور
- ادیبی، حسین، ۱۳۵۶، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شهری، انتشارات شبگیر
- اصغری، مقدم، محمد رضا، ۱۳۷۸، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه- بیات، مقصود (۱۳۸۸)، سنجش توسعه یافتگی روستاهای بخش کوار شهرستان شیراز با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی دانشگاه اصفهان، شماره ۳۳، صص ۱۳۱-۱۱۳.
- بحرینی، حسین، ۱۳۷۸، تجدد و فراتجدد در شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران
- بیگ بابایی، بشیر، خدادای سلمان، ۱۳۸۵، سیمای جغرافیای شهرستان ملکان، انتشارات عارف
- بیگ بابایی، بشیر، ۱۳۸۹، شهر و برنامه‌ریزی شهری، ناشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملکان
- بیگ بابایی، بشیر، ۱۳۹۴، حقوق و قوانین شهری، ناشر بهاردرخت تبریز
- بیگ بابایی، بشیر، ۱۳۹۴، شهر و طبیعت در تعالیم اسلامی، ناشر بهاردرخت تبریز
- بیگ بابایی، بشیر، ۱۳۸۷، آموزش شهروندان و مدیریت واحدهای بزرگ در مدیریت موفق شهرها، همایش شهرسازی و معماری اوجان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بستان آباد
- پور محمدی، محمد رضا، ۱۳۷۴، نیاز به زمین جهت توسعه شهری، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی پومفرت، ریچارد (۱۳۷۶)، راههای گوناگون توسعه اقتصادی، ترجمه احمد مجتهد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

- تقوایی، مسعود و پروین شفیعی (۱۳۸۸). کاربرد تحلیل عاملی و خوشه ای در ارزیابی فضایی-مکانی مناطق روستایی استان اصفهان، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هفدهم شماره ۶۸، صص: ۵۷-۷۶.
- تودارو، مایکل (۱۹۹۰)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، مؤسسه عالی پژوهش و توسعه، تهران.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۰)، نظریه‌های جامعه شناسی، انتشارات سمت،
- جانسون، جیمز، اچ، ۱۳۵۲، جغرافیای شهری، (ترجمه) گیتی اعتماد، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- جامرچی، کاظم، ۱۳۸۸، مطالعات روستائی، انتشارات دانشگاه بین المللی چابهار
- جزنی، منیر ۱۳۷۴، جهان سوم پدیده‌های کم رشدی، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی
- جمالی، فیروز، ۱۳۷۷، شهر جهان سومی، انتشارات توسعه
- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰)، برنامه ریزی ناحیه ای، سمت.
- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۹۳)، سیری در اندیشه‌ها و طرح های شهرسازی، انتشارات فروزش تبریز
- حکمت نیا، حسن و میر نجف موسوی (۱۳۸۵): کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای، انتشارات علم نوین، یزد
- حقی، حمیرا، ۱۳۹۶، برنامه‌ریزی توسعه ناحیه‌ای در جهت رفاه اجتماعی (مطالعه موردی بلوک مراغه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد واحد ملکان
- در کوش، سید عابدین، ۱۳۸۰ درآمدی به اقتصاد شهری، مرکز نشر دانشگاه تهران
- رابرت ب پاتر، سالی لوید ایونز، ۱۳۸۴، شهر در جهان درحال توسعه، انتشارات شهرداری‌های وزارت کشور
- زیاری، کرامت الله (۱۳۷۸)، اصول و روشهای برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه یزد.
- زیاری، کرامت اله (۱۳۷۹)، سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استان های کشور، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶
- عمید، حسن (۱۳۵۰)، فرهنگ عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۹)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات با استفاده از نرم افزار SPSS، انتشارات فرهنگ صبا، چاپ چهارم.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۲)، برنامه ریزی توسعه منطقه ای (تئوری ها و تکنیک ها)، انتشارات خوشبین، تهران.
- محمدعلی پور، نادر (۱۳۹۶) نقش گسترش صنعت در توسعه منطقه‌ای مطالعه موردی شهرستان میاندوآب پایان نامه کارشناسی ارشد واحد ملکان
- مسعودیان، سعداله (۱۳۷۲)، سیری در مؤلفه‌های فرهنگی جهان، مرکز پژوهشهای کاربردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- مضطر زاده، حامد، (۱۳۹۳)، تحلیلی بر روند شکل‌گیری پارادایم توسعه پایدار شهری با تأکید بر جریان های زیست محیطی، دو فصل نامه پژوهش های منظر شهر
- منصورفر، کریم (۱۳۸۵)، روش های پیشرفته آماری همراه با برنامه‌های کامپیوتری، انتشارات دانشگاه تهران.
- موسوی، میرنجف و حسن حکمت نیا (۱۳۸۴)، تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌ها در تعیین عوامل موثر بر توسعه نواحی ایران، مجله جغرافیا و توسعه، سال سوم (پیاپی ۶)، صص: ۵۵-۷۰.
- سالنامه آماری استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۰.

<http://expansioncultural.persianblog.ir/post/2>

-Unesco (1975) Final Report of the International Conference on Cultural policies in Africa. Paris:

Unesco publications, Unesco (1982) Mexico City Declaration on Cultural

-Unesco/FAO (1990) Forest and Culture in Asia. Bangkok: Unesco/FAO publications.